



جریان‌شناسی اشتغال زنان در فقه امامیه*

فاطمه سادات علوی علی‌آبادی^۱

مریم رحیمی^۲

فاطمه عارفی^۳

راضیه صادقی^۴

چکیده

مقاله پیش‌رو به جریان‌شناسی تاریخی اشتغال بانوان در فقه امامیه می‌پردازد. نگارندگان پس از مروری بر پیشینه تاریخی فعالیت‌های اقتصادی بانوان از بعثت تاکنون و تأثیر این فعالیت‌ها بر فرد و جامعه اسلامی به بیان نظرات مراجع معاصر امامیه در مورد «اشتغال زنان» پرداخته و وجوه تعامل و تقابل این مقوله را با «فقه امامیه» مورد بررسی قرار داده‌اند. روش این پژوهش، تاریخی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که فقه امامیه، اشتغال زنان را با رعایت ضوابط و آداب معین، پذیرفته است؛ آدابی که برخی از آنها مشترک میان مردان و زنان است و برخی دیگر ویژه زنان است. حاصل سخن آنکه اشتغال زنان در صورتی که برای انجام وظایف محوله و بر اساس موازین تعیین شده از سوی شارع باشد، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه چه بسا ضرورت هم خواهد داشت.

کلید واژه‌ها: اشتغال، بانوان، فقه امامیه، مشارکت اقتصادی، خدمات اجتماعی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۳/۲۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۱۴.

۱. استادیار جامعه المصطفیٰ العالمیه.

۲. دانش‌پژوه کارشناسی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفیٰ العالمیه.

۳. دانش‌پژوه کارشناسی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفیٰ العالمیه.

۴. دانش‌پژوه کارشناسی کلام اسلامی جامعه المصطفیٰ العالمیه.



مقدمه

دین اسلام پیروانش را به کار و کوشش و سود بردن از امکانات بیشتر برای تولید ثروت و رشد و توسعه جامعه با رعایت اصل عدالت برای همگان تشویق می‌کند. از نگاه اسلام، کارگر فعال بر غیرفعال و تولیدکننده تلاشگر بر مصرف‌کننده غیر متکی به خود، ارجح است.

متون تاریخی از فعالیت اقتصادی زنان در صدر اسلام خبر می‌دهد. برای نمونه ام‌المؤمنین زینب، دختر جَحشِ اسدی در صنایع دستی شهرت داشته است. همسر عبدالله بن مسعود صاحب حرفهٔ دستی بوده و به وسیله این کار به همسرش عبدالله هم کمک می‌کرده است. قیلَه آنماری تاجر بوده و در باب داد و ستد از پیامبر ﷺ راهنمایی می‌گرفته است. حَولاء زنی بود که در مدینه عطاری داشت. ملیکه ثَقَفی، عطر فروش بود. سَعیره اسدی پارچه‌بافی داشت و از پشم و مو پارچه درست می‌کرد. خالَه جابر بن عبدالله انصاری نخلداری می‌کرد. شَفَاء دختر عبدالله قُرشی، خالده دختر آنس انصاری و اُسما دختر عُمیس، صاحب حرفه و مشاغل بوده‌اند و درباره شغل‌شان از پیامبر ﷺ اجازه گرفته بودند.

اُسما و اُم رِعلَه قُشیری و آمنه دختر عَفان خواهر عثمان، آرایشگر زنان بودند و پیامبر ﷺ در این شغل به آنها اجازه داده بود. (کرکر، ۱۹۹۳م: ۳۰۹-۳۰۷) کعبیه دختر سعد اُسلمی خیمه‌ای [درمانگاه] در مسجد بر پا کرده بود و به مداوای بیماران و مجروحان می‌پرداخت. رُفیده انصاری نیز برای مداوای بیماران و مجروحان در مسجد خیمه زده بود. سلَمی زن ابورافع و سَوَدَه دختر مِسرَح، هر دو قابله بودند. پاره‌ای مانند ام‌صفیه خوله، حصیر بافی داشتند. زنانی نیز به امور احشام و دام می‌پرداختند. مورخان نوشته‌اند برخی از زنان مکه و مدینه اهل طنز و مزاح بوده‌اند و برای زنان در این باره مجلس شادی برپا می‌کردند. (الحوفی، ۱۹۸۰م: ۴۰۶-۳۹۹) بعضی از زنان در عصر نبوی

کتابت می‌دانستند و به تعلیم آن می‌پرداختند. شفاء دختر عبدالله بن عبد شمس عدوی از این زنان بود و پیامبر ﷺ به ایشان دستور تعلیم خط به زنان را داده بودند. (آئینه‌وند، ۱۳۹۱: ۳۶۲-۳۶۳)

جلالی به طور جامع، مشاغل زنان را شانزده قسم برشمرده است؛ صنایع دستی، نخ‌ریسی و پارچه‌بافی، دست‌فروشی، آرایشگری، دامداری و چوپانی، زمامداری (استر و شتر)، کشاورزی و باغداری، دباغی، خرازی، خیاطی، خدمتکاری و نظافت، شیردهی، حضانت و نگهداری اطفال، بازرگانی، کار اداری بازار، انتظامات، پرستاری و خدمات ضروری و پزشکی و جراحی. (جلالی کندری، ۱۳۸۳، ۱۳۶-۱۲۲)

۱. جواز اشتغال زنان در قرآن و روایات

از دیدگاه اسلام، زن از همان گوهری آفریده شده که مرد آفریده شده است و تفاوتی در حقیقت و ماهیت بین زن و مرد نیست. (نساء: ۱؛ اعراف: ۱۸۹)

قرآن کریم هرگاه از کمالات و ارزش‌های والای انسانی سخن می‌گوید، زنان را نیز هم‌دوش مردان مطرح می‌کند. (نساء: ۱۲۴) در نگاه اسلام، زن و مرد در انسانیت مشترک‌اند، چرا که انسانیت انسان، به روح او بستگی دارد و روح انسانی به مذکر و مؤنث تقسیم نمی‌شود. در دیدگاه اسلام، زن نیز انسانی چون مرد است که دارای سه ویژگی مهم انسانی، یعنی اختیار، مسئولیت‌پذیری و توان ارتقا و کمال می‌باشد (فهیمی، ۱۳۸۵: ۲۵-۲۴) و همانند مرد از امکان رشد و کامیابی برخوردار است. (احزاب: ۳۵؛ توبه: ۷۲؛ فتح: ۵)

بر این اساس از منظر قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام، اشتغال زنان به خودی خود مباح است. به عنوان مثال خداوند متعال در قرآن کریم تصریح نموده بر اینکه «زنان مالک مالی هستند که آن را کسب می‌کنند». (نساء: ۳۲) کسب دارایی، هرگونه «به دست‌آوری مال» با فعالیت تجاری است و با اشتغال - به اصطلاح امروز - بیشتر تناسب





دارد. در روایات نیز عنوان «کسب» برای فعالیت اقتصادی مانند خرید و فروش به کار رفته است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۱۱) بنابراین تأکید مالکیت در اثر کسب، متضمن جواز کسب است.

آیه دیگری که با اطلاق خود، بر جواز اشتغال زنان دلالت دارد آیه دهم سوره جمعه است: «هنگامی که نماز پایان یافت در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید و خدا را بسیار یاد کنید؛ شاید رستگار شوید». (جمعه: ۱۰) خطاب در آیه، عام است و شامل مرد و زن می‌شود، لذا مفسران معتقدند این آیه بر جواز کار زنان دلالت دارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳، ج ۲۴: ۱۲۸-۱۲۷)

دلیلی که از سنت می‌توان برای جواز اشتغال زنان ارائه کرد، تقریر معصوم علیه السلام از فعالیت‌های اقتصادی زنان است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛ کار کردن برای کسب مال حلال، بر هر مرد و زن مسلمان واجب است». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰: ۹) این روایت، طلب مال حلال از راه کسب و کار را نیز شامل می‌شود. در آنچه گذشت، به مشاغل زنان در عصر نبوی اشاره شد. همه این فعالیت‌های اقتصادی در دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله بود و حضرت کسی را از آنها باز نمی‌داشت. آن حضرت به زنان جوان اجازه داده بود تا در مراسم عید فطر و قربان، از منازل خود خارج شوند و برای تهیه روزی، بساط بگسترانند. (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۲۸۷) در مواردی نیز که زن سرپرست خانواده به شمار می‌آید یا شوهر از کارافتاده داشت و برای کسب درآمد خود و خانواده‌اش می‌کوشید، رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «چنین کاری دو ثواب دارد». (ابن اثیر، بی تا، ج ۵: ۴۶۱) از سوی دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله همه مردم، از جمله زنان را بسیار به دادن زکات و صدقات سفارش می‌فرمود. انجام بسیاری از کارهای نیک، مستلزم داشتن مال است. در همین زمینه امام صادق علیه السلام فرمود: «در کسی که دوست ندارد مال حلال جمع کند تا با آن آبروی خود را نگه دارد و دین خود را ادا کند

و به خویشاوندان خود رسیدگی کند خیری نیست». (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۹، ج ۱۱: ۱۵۳-۱۵۲) بنابراین کسب درآمد با هدف انجام کارهای خیر، اگر مصالح مهم‌تری در میان نباشد، جایز است.

شاهدی و فرحودی در پژوهشی مشترک، به بررسی برخی روایات پرداخته‌اند که به گونه‌ی مستقیم ناظر به عدم سپردن کار و شغل به زنان است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در رساله‌ای که به فرزندش امام حسن علیه السلام دارد می‌نویسد: «لَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنَ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا فَإِنَّ ذَلِكَ أَنْعَمَ لِحَالِهَا وَ أَرْخَى لِبَالِهَا وَ أَدْوَمَ لِحِمَامِهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۵۱۰)

در روایتی دیگر، جابر بن یزید جعفی می‌گوید: «سمعت أبا جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام يقول: ... ولا تولى المرأة القضاء ولا تولى الامارة و...». (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۵۸۵) روایت سوم که مشهورترین نقل آن، نقل صحاح و سنن اهل سنت است به نقل از ابوبکره می‌گوید: «لَنْ يُفْلِحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمْرَهُمْ إِمْرَأَةٌ». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۲: ۱۹۴)

پس از بررسی هر سه روایت، پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که روایات مربوطه یا سند ضعیفی دارند و یا اینکه دلالت آنها، تصدی سطح کلان را شامل می‌شود و به مشاغل و مسئولیت‌های محدود و سرپرستی جزئی مربوط نمی‌شوند. (شاهدی و فرحودی، ۱۳۸۹: ۱۲۹-۱۲۶)

الف) مشاغل مشترک بین زنان و مردان

در شرع اسلام، بعضی پیشه‌ها بین زنان و مردان مشترک است و برخی مشاغل، ویژه زنان است. مواردی از مشاغل مشترک در روایات ذکر شده‌اند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. (ر.ک: نکونام گلپایگانی، ۱۳۸۴: ۹۲-۷۷)





یکم) تعلیم و تربیت

حفص بن قرط به امام صادق علیه السلام عرض کرد: زنی در مدینه است که مردم، دختران خود را نزد او می‌آوردند تا آنها را پرورش دهد و او از این کار درآمد و روزی فراوانی به دست می‌آورد. امام علیه السلام فرمود: «بی‌تردید او راست‌گفتار و امانتدار است و این کار روزی آور است». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۳۳)

از این روایت به دست می‌آید که شغل شریف معلمی گذشته از آنکه برای زن اشکالی ندارد بسیار هم خوب و شایسته است و این کار از امور مشترک میان زن و مرد است.

دوم) نوحه‌سرایی زنان

یکی دیگر از شغل‌هایی که زن می‌تواند به آن اشتغال داشته و از طریق آن درآمد حلال به دست آورد مرثیه‌سرایی و مدیحه‌خوانی است. در این زمینه امام باقر علیه السلام به امام صادق علیه السلام فرمود: «این اندازه از مالم را وقف کن تا مدت ده سال در روزهایی که حج‌گزاران در منا به سر می‌برند، زنان مرثیه‌سرا برایم سوگواری کنند». (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶: ۲۲۰)

در روایتی دیگر، امام صادق علیه السلام در مورد حلیت داشتن کنیز نوحه‌گر و کسب روزی از طریق نوحه‌گری او فرمود: اگر نوحه‌گر -یا مداح- مزد را شرط نکند اشکالی ندارد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۱۸)

مرثیه‌سرایی و سوگواری علاوه بر اینکه نسبت به مظلومیت و شهادت اهل بیت علیهم‌السلام بسیار سفارش شده، برای درگذشتگان نیز ممدوح است، زیرا تسلی دل بازماندگان، احترام به از دنیافتگان و نثار خیرات برای آنان است البته به شرطی که به محرمانی نظیر موی سر کندن، زخمی کردن سر و صورت، سینه چاک کردن و کلمات دروغ و باطل، آلوده نگرده؛ چه این نوحه‌گری توسط خویشان فرد درگذشته صورت بگیرد یا از سوی غریبه‌ای که مرثیه بخواند و مزد هم بگیرد و این عمل، کسب و کار او باشد.

سوم) ریسندگی و بافندگی

رسول خدا ﷺ فرمود: به زنان ریسندگی بیاموزید. (حر عاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۴: ۱۲۷) در روایتی دیگر، زنی به نام ام‌حسن می‌گوید: امیرمؤمنان علی علیه السلام از کنارم گذشت و فرمود: چه می‌کنی ای ام‌حسن؟ گفتم: نخ می‌ریسم. حضرت فرمود: ریسندگی از حلال‌ترین پیشه‌هاست. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۳۱۱)

چهارم) آشپزی

امام صادق علیه السلام فرمود: برای مرد و زن آشپزی که روزه دارند، چشیدن غذا (بدون فروبردن) اشکالی ندارد. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۱۱۴) آن حضرت در روایتی دیگر فرمود: «هنگامی که زن خدمتکاری می‌خواهد غذا بپزد، دستور بده پیمانه بگیرد، زیرا برکت در چیزهایی است که پیمانه می‌شود». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۶۷)

اطلاق این دو عنوان در روایات معصوم علیهم السلام حکایت از شغل طباحی برای زن و مرد دارد.

پنجم) پرستاری

روایت شده است که پیامبر خدا ﷺ در هنگامه جنگ، زنان را برای درمان مجروحان همراه خود می‌برد و با آنکه از غنائم جنگی سهم مشخصی به آنان نمی‌داد، ولی به تشخیص خود مقداری به آنها می‌بخشید. (همان: ۴۵)

این روایت در صدد بیان شیوه استفاده پیامبر صلی الله علیه و آله از توان و زمینه ذاتی زنان در میدان جنگ است. زن با توجه به لطافت روح و عواطف شدیدش، از رقت و دلسوزی خاصی برخوردار است و این روحیه به خوبی با امر پرستاری و درمان مجروحان تناسب دارد. از سوی دیگر، شرکت مستقیم در نبرد و به‌کارگیری خشم و خشونت، چندان از زن انتظار نمی‌رود و از درون مایه فطری، توان ذاتی و حال و هوای طبیعی او نیز





برنمی‌آید. به همین دلیل است که امام علی علیه السلام فرمود: زن ریحانه است؛ نه قهرمان». (همان: ۵۱۰)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هنگام جنگ، دسته‌ای از زن‌ها را جهت درمان و مداوا به جبهه گسیل می‌داد و از جنگ و درگیری نظامی بازمی‌داشت، از این‌رو زنان، به خلاف رزمندگان، از غنایم سهم مشخصی نمی‌بردند، ولی پیامب صلی الله علیه و آله با توجه به کار خطیر و مؤثر آنان، سهمیه و بهره‌ای برای ایشان در نظر می‌گرفت. البته موقعیت شغل پرستاری برای زن، مخصوص زمان جنگ نیست، بلکه هنگامی که زن می‌تواند در مکان ناامنی چون میدان جنگ، آن‌هم برای مردها چنین نقشی را ایفا کند در زمان عادی و برای زنان به طریق اولی می‌تواند چنین اشتغالی داشته باشد.

ششم) عطر فروشی

عبدالله بن محبوب از قول مردی نقل می‌کند: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله وارد منزل خود شد فرمود: من رایحه «حولاء»- زن عطر فروشی که برای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله عطر می‌آورد- را نزد شما می‌یابم. آیا بوی خوشی که از شما استشمام می‌نمایم از عطرهاى اوست؟ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴: ۲۳۹) در روایتی دیگر، آن حضرت صلی الله علیه و آله به حولاء فرمود: «هنگامی که نزد ما می‌آیی، خانه‌های ما خوشبو می‌شود». حولاء عرض کرد: «یا رسول‌الله! خانه‌های شما با عطر معنویت شما خوشایندتر است.» رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: «وقتی عطر می‌فروشی فروشنده خوبی باش و نیرنگ به کار مبر که این کار با خدا ترسی سازگارتر است و مال را ماندگارتر می‌سازد». (کلینی، پیشین: ۱۵۱)

ب) مشاغل خاص زنان

در روایات معصومین علیهم السلام شغل‌هایی نیز ویژه زنان دانسته شده و به آنان در مورد آن مشاغل سفارش شده است که مواردی از آنها را می‌توان برشمرد. (ر.ک: نکونام گلپایگانی، ۱۳۸۴: ۱۰۴-۹۳)

یکم) آرایشگری

پیامبر ﷺ به ام عطیه فرمود: «وقتی دختری را آرایش می‌کنی صورتش را با پارچه پیرایش نکن. بی‌شک پارچه، جلوه چهره را برمی‌دارد». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۱۱۸)

دوم) مامایی

در روایات، «مامایی» شغل مناسب زنان شناخته شده و سهمی از عقیقه برای ماما در نظر گرفته شده است. در این زمینه امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «... رسول خدا ﷺ نام کودک را حسن نهاد، زمانی که روز هفتم شد دو گوسفند خاکستری رنگ برای او عقیقه کرد و یک ران آن گوسفند را با یک دینار به قابله داد، سپس سر نوزاد را تراشید و به وزن آن نقره صدقه داد... [سال بعد که امام حسین علیه السلام متولد شد] جبرئیل گفت: او را حسین نام بگذار، ... زمانی که یک هفته گذشت رسول خدا ﷺ دو گوسفند خاکستری رنگ برای او عقیقه کرد و یک ران از آنها را با یک دینار به قابله داد، سر طفل را تراشید و به وزن موهایش [نقره] صدقه داد». (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۲: ۲۶-۲۵)

سوم) شیردهی و نگهداری فرزندان

امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که مردی همسر باردارش را طلاق دهد، باید نفقه او را تا زمان زایمان پرداخت نماید و پس از وضع حمل نیز مزد شیردهی او را بپردازد و به او آسیب و زینانی نرساند، مگر آنکه دایه‌ای با مزد کمتر این کار را انجام دهد، ولی در صورتی که مادر به همان مزد راضی باشد، او برای فرزند خویش تا پایان شیرخوارگی سزاوارتر است». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶: ۴۵-۴۴)

آن حضرت در روایتی دیگر فرمود: «زمانی که زنان اهل کتاب فرزندان شما را شیر می‌دهند آنان را از نوشیدن شراب بازدارید». (همان: ۴۴)





۲. ضوابط قرآنی و روایی در باب «اشتغال زنان»

رهنمودهای شرعی برای «اشتغال زنان» را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ احکام شرعی مختص زنان و احکام مشترک بین زن و مرد. در ادامه برخی از این ضوابط را در قرآن و سنت مرور خواهیم نمود.

الف) احکام مختص زنان

یکم) ستر و پوشش

— «... وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...»؛ ... و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است آشکار نکنند و (اطراف) روسری خود را بر سینه خود افکنند و سینه با آن پوشانده شود. (نساء: ۳۱)

- «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلزَّوْجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ...»؛ ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مومنان بگو جلبابهای خود را بر خویش فرو افکنند... (احزاب: ۵۹)

دوم) پرهیز از خودآرایی و خودنمایی

«... وَ لَا تَبْرَجْنَ تَبْرَجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...»؛ همچون دوران جاهلیت نخستین ظاهر نشوید. (احزاب: ۳۳)

تبرج به «میل بسیار برای آشکار کردن زیبایی‌ها» معنا شده است. خودآرایی زن از آن روی به تبرج تشبیه شده که مثل قصر و برجی، زن خود آرا با زیبایی‌سازی، نگاه را جلب و چشم را پر می‌کند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۱۵)

سوم) وقار در راه رفتن

«...وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ...»؛ و هنگام راه رفتن پای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانشان آشکار شود. (نور: ۳۱)

چهارم) وقار در سخن گفتن

«...فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا...»؛ پس به گونه‌ای

هوس‌انگیز سخن نگویند که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته

بگویند. (احزاب: ۳۲)

پنجم) استفاده نکردن از بوی خوش

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «زنانی که خود را خوشبو می‌سازند پس نباید (با بوی خوش) از

منزل خارج شوند و در نماز مسجد شرکت کنند». (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱: ۴۲۳)

ب) احکام مشترک بین زن و مرد

یکم) کنترل نگاه

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ ... وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...»؛ به مؤمنان بگو

چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند... و به زنان با ایمان بگو چشم‌های

خود را از نگاه هوس‌آلود فرو گیرند... (نور: ۳۱-۳۰)

غض به معنای کم کردن و کاهش است؛ «غض بصر» یعنی «کاهش دادن نگاه» (نگاه

گذرا و بدون مکث). (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۰۸-۶۰۷)

دوم) پرهیز از برقراری روابط نامشروع:

«...وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ... وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...»؛ به مردان مؤمن بگو عفاف خود را حفظ

کنند و به زنان مؤمن بگو دامان خویش را حفظ کنند. (نور: ۳۱-۳۰)

سوم) پرهیز از گفتگوهای غیر اخلاقی و زیاد از حد

«...وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا»؛ و سخن شایسته بگویند. (احزاب: ۳۲)

قول معروف، کلام رایج و درستی است که نزد شرع و عرف اسلامی شناخته شده

باشد؛ کلامی که لحن ادای آن معنایی بیش از مدل اصلی سخن را نرساند، به فساد و





ریبه هیچ اشاره‌ای نداشته باشد، نامحرم را به طمع نیندازد و او را به فکرهای شهوی یا درخواست‌های نادرست نکشاند. شوخی کردن و سخنان بیهوده غیر معروفاند.

چهارم) پرهیز از روابط رو در رو

«...وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...»؛ هنگامی

که چیزی از وسایل زندگی را از آنان (همسران پیامبر ﷺ) می‌خواهید، از پشت پرده بخواهید. این کار برای دل‌های شما بهتر است. (احزاب: ۵۳)

پنجم) خودداری از لمس کردن

در روایات دست دادن زن و مرد بیگانه ممنوع شده، مگر آنکه حائل و پارچه‌ای مثل دستکش در میان باشد و دست یکدیگر را نیز نفشارند. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۵۲۵)

ششم) پرهیز از خلوت کردن با مرد بیگانه

رسول خدا ﷺ از زنان بیعت گرفتند که هیچ‌گاه با مردان خلوت نکنند. (همان: ۵۱۹)

۳. اشتغال زن از دیدگاه فقهای امامیه

در فقه امامیه با وجود شرایطی خاص، اشتغال زن مجاز شمرده شده و با استناد به ادله متعددی، این معنا به اثبات رسیده است. ادله امامیه به دو صورت نقضی و حلی (اثباتی) ارائه شده است. ادله نقضی، ناظر بر ادله اهل سنت و در جهت رد آنها می‌باشد (رهبر، ۱۳۸۸: ۶۲-۵۲) و ادله حلی در صدد اثبات رأی امامیه بیان شده‌اند. از مهم‌ترین دلایل حلی فقهای امامیه، اشتغال زنان در عصر معصومان علیهم‌السلام است. ایشان معتقدند بهترین دلیل بر جواز اشتغال زنان این است که در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام زنان منتسب به معصومان علیهم‌السلام و دیگر زنان در خانه حبس نمی‌شدند و به کارهای بیرون از منزل اشتغال داشتند و معصومان علیهم‌السلام از این کار بانوان، منع نکردند و این خود دلیل بر جواز اشتغال زنان می‌باشد. (رهبر، ۱۳۸۸: ۶۴)

۴. محدودیت‌های فقه امامیه در باب «اشتغال زنان»

هرچند اسلام زنان و مردان را به فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال، دعوت و هر دو را مالک درآمد خویش محسوب کرده است، ولی محدودیت‌هایی نیز در این امر (مانند سایر امور) اعمال نموده است. این محدودیت‌ها به دو قسم تقسیم می‌شوند:

۱. برخی از این محدودیت‌ها به خود فعالیت اقتصادی، اعم از تولید و توزیع برمی‌گردد؛

۲. برخی دیگر درباره ارتباط افراد مسلمان با یکدیگر و دیگران است.

در قسم اول این محدودیت‌ها، هیچ‌گونه تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. اگر ربا حرام است و یا تجارت جایز است، برای هر دو همین حکم وجود دارد، ولی در قسم دوم، خصوصیات زن و مرد در احکام جزئی متفاوت است. هر چند در اینجا نیز در کلیات احکام با هم مشترک هستند؛ پس بر هر دو عفاف واجب است؛ هر چند مصداق عفاف در مورد زنان، حجاب است و چنین چیزی در مورد مردان نیست.

در این میان برخی از محدودیت‌های اشتغال، مخصوص به کسانی است که ازدواج کرده‌اند و با این عقد به صورت اختیاری، برخی حقوق را برای همسر خود، نسبت به خود پذیرفته‌اند. (چگینی، ۱۳۹۱: ۳۷)

الف) تعارض خروج زوجه با حق استمتاع زوج

درباره خروج زن از خانه، دو نظر عمده فقهی وجود دارد. برخی فقها به طور مطلق، خروج زن را بدون اجازه شوهر، جایز نمی‌دانند و برخی به ویژه در میان متأخرین، در صورت تعارض خروج زن با حق استمتاع مرد، آن را جایز نمی‌دانند.

صاحب جواهر بعد از بیان اینکه اگر زن بدون اذن شوهرش به سفر مباح یا مستحبی برود حتی اگر سفرش منافات با حق استمتاع شوهر نیز نداشته باشد نفقه دادن به او بر شوهرش واجب نیست، زیرا این کار از مصادیق نشوز است (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۳۱: ۳۱۴)



می‌فرماید: حتی خروج زن از منزل بدون اجازه شوهرش گرچه به مسافرت هم نرود باعث سقوط نفقه می‌شود. حتی بالاتر از این، صاحب جواهر قائل است که در واجب موسّع - که وقت آن ضیق نشده- نیز اگر زن بدون اجازه شوهر خارج شود، نفقه او ساقط است، زیرا حق شوهر تضييع شده است.

در این مسئله جمعی از علمای پیشین نیز همچون علامه و فخر المحققین در ایضاح الفوائد (۱۳۶۳، ج ۳: ۲۷۴) مفید(ره) در مقنعه (۱۴۱۰ق: ۵۱۸) و شهید اول و دوم در لمعه و شرح لمعه(بی‌تا، ج ۵: ۴۶۶) با صاحب جواهر اتفاق نظر دارند.

از علمای معاصر نیز امام خمینی(ره) در تحریرالوسیله(بی‌تا، ج ۲: ۴۵۱)، خروج زن را بدون اجازه شوهرش از مصادیق نشوز و مسقط نفقه می‌داند و در رساله فارسی می‌گوید: «زنی که عقد دائم شده باشد نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود». (۱۳۷۸: ۳۸۱)

آیات عظام اراکی(ره)، گلپایگانی(ره)، صافی(زید عزه)، زنجانی(زید عزه)، فاضل(زید عزه) و بهجت(ره) نیز نظیر کلام امام را بیان کرده‌اند و جمع دیگری از علما همچون آیت الله خویی(ره)، آیت الله مکارم(زید عزه)، آیت الله تبریزی(زید عزه) کلمه احتیاط را ذکر کرده‌اند و برخی همچون آیت‌الله سیستانی(زید عزه) تعبیر به حرمت کرده‌اند. (بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴۷۷-۴۷۶) البته آیت الله صانعی(زید عزه) این نهی را مربوط به مواردی دانسته که مانع استمتاع شوهر باشد. (صانعی، ۱۳۷۶: ۳۹۷)

با توجه به اقوال مذکور، در این مسئله می‌توان ادعا کرد که تقریباً همه فقها با اندک اختلافی که در نظرات خویش دارند در اصل مسئله با صاحب جواهر اتفاق نظر دارند. (جهانگیری، ۱۳۸۵: ۱۹۶-۱۹۵)

در کتب فقهی درباره حق استمتاع یا انتفاع جنسی مرد، فراوان سخن گفته شده است و آن قدر این حق پررنگ است که همه حقوق انسانی و فردی زن را تحت تأثیر قرار

می‌دهد تا آنجا که بسیاری از فقها قائل به این معنا شده‌اند که مرد در هر زمان و مکان، دارای حق استمتاع است و بر زن واجب است که خواست شوهر را اجابت کند. حتی آن عده از فقها که خروج زن را در صورت عدم تعارض با حق استمتاع مرد، بلامانع می‌دانند نیز در این باره بحث نکرده‌اند که حدود استمتاع باید چگونه باشد تا زن نیز از حقوق انسانی فردی و اجتماعی خود بازماند. (وسمقی، ۱۳۸۷: ۱۰۵)

سید یزدی در عروه الوثقی و آیت الله حکیم در مستمسک گفته‌اند: «اگر زن برای خدمت در مدت معینی، (تعهد و توان) خود را اجاره دهد و پیش از انقضای این مدت ازدواج کند اجاره (تعهد) باطل نمی‌شود، حتی اگر خدمت منافی بهره‌جویی شوهر و حقوق زناشویی باشد؛ در این حکم تفاوتی نیست که شوهر هنگام ازدواج، تعهد زن را بداند یا نداند، زیرا دو حق اینجا هست؛ حق خدمت و حق شوهر. اگر زن بتواند هر دو را انجام دهد که خوب و اگر جمع میان آن دو ممکن نباشد و تراحم کنند، حق اولی که تعهد خدمت است مقدم است، چون اگر حقوق شرعی مزاحم هم شوند، ترجیح با حق سابق است؛ بنابراین شوهر حق اعتراض یا فسخ تعهد زن را ندارد و همسر ناشزه محسوب نمی‌شود اما اگر پس از ازدواج، تعهد خدمت دهد و با حق شوهر منافات داشته باشد بدون اذن و اجازه شوهر، تعهد خدمت درست نیست. اگر تعهد با حق شوهر مطلقاً منافات ندارد، مثلاً تعهد قرائت قرآن یا بافتن پیراهن با نخ کاموا یا پشم را بدهد، اجاره (و تعهد) صحیح است حتی اگر شوهر اذن ندهد.» (مغنیه، ۱۴۰۲ق، ج ۴:

(۲۶۵)

ب) جواز اشتراط عدم اشتغال زوجه

از جمله شروط ضمن عقد، شرط اشتغال یا عدم اشتغال زوجه است. اگر «عدم اشتغال زوجه به کار» در ضمن عقد نکاح شرط شده باشد، در این صورت زوجه باید از شرط



تبعیت نماید. (فهیمی، ۱۳۸۵: ۲۰۶-۱۸۸) در این خصوص نظرات برخی فقهای معاصر شیعه را مرور می‌نماییم.

سؤال اول: دختری با پسری ازدواج کرده و هنگام ازدواج، دختر در آموزش و پرورش معلم بوده است و پیش از عقد، پسر با وی شرط کرده که از کارش استعفا دهد و این شرط نوشته شده و عده‌ای از جمله خود دختر و پدرش امضا کرده‌اند و شوهر توانایی دارد که به طور معمول و معروف جامعه، نفقه و خرجی او را تأمین کند و اکنون نیز با ادامه کار او رضایت ندارد. آیا با این شرط، خانم مذکور شرعاً می‌تواند بدون توافق شوهر به شغل معلمی خویش در آموزش و پرورش ادامه دهد؟

امام خمینی (ره): شرط مذکور اگر در ضمن عقد بوده، نافذ است و زن بدون اجازه شوهر نباید از خانه خارج شود، هر چند شرط نشده باشد. (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، سؤال ۱۰۰۵۶)

سؤال دوم: اگر زوجه قبل از ازدواج، شاغل به تدریس بوده و معلوم است که تدریس در آموزش و پرورش سال‌های زیادی را به خود اختصاص می‌دهد، اگر زوجه در این حال ازدواج کرد، آیا زوج پس از ازدواج حق منع از تدریس او را دارد؟ اگر بر زوج ادامه اشتغال زوجه شرط شده باشد آیا پس از نکاح، حق منع زوجه از تدریس را دارد؟ در امور غیر تدریس، وضع چگونه است؟

آیت الله خویی (ره): شوهر حق ندارد زوجه را از انجام کارهایی که حق او را ضایع می‌کند منع نماید، ولی اگر ضمن عقد، اشتغال زوجه چه در تدریس یا غیر تدریس، شرط شده باشد زوج حق ممانعت از آن را ندارد. (خویی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۱۷۵)

سؤال سوم:

زوجه در حین عقد ازدواج با شوهر خود شرط می‌کند که من بعد از ازدواج در یکی از ادارات دولتی استخدام خواهم شد و شوهر این شرط را قبول می‌کند. بیان فرمایید آیا شوهر می‌تواند بعد از ازدواج، مانع از استخدام زوجه خود بشود یا نه؟
آیت الله صافی گلپایگانی (زید عزه):

در مورد سؤال، با اشتراط در ضمن عقد و قبول زوج، زوج نمی‌تواند مانع استخدام برای شغل حلال شود. والله العالم. (صافی، ۱۳۸۵: ۷-۶)

ج) رجوع زوج از اجازه اشتغال زوجه

از جمله مسائلی که پیرامون اشتغال زوجه مطرح می‌شود این است که زوج نخست اذن اشتغال به زوجه بدهد، ولی سپس از این اذن رجوع نماید. در این مورد، بسته به اینکه اذن اولیه به صورت شرط ضمن عقد بوده یا نه، نظرات فقها متفاوت است. اگر اذن زوج به صورت شرط ضمن عقد باشد، به اتفاق فقها زوج حق رجوع از اذن خود را ندارد و اگر اذن در ضمن عقد نباشد و زوجه با اجازه شوهر عقد اجاره را منعقد کرده باشد بعضی از فقها معتقدند که او می‌تواند از اجازه خود برگردد و بعضی دیگر معتقدند که شوهر حق رجوع از اجازه خود را ندارد. نظرات برخی از فقها، شاهد مثال این ادعا است.

سؤال: درباره شغل زن در بیرون از خانه بفرمایید:

الف) اگر شوهر اجازه اتخاذ شغلی را به همسر خود داد، آیا بعد از طی مراحل خاص، ایشان می‌تواند بگوید: «اجازه ادامه کار را نمی‌دهم» یا اینکه اجازه اول، التزام به تمام لوازم می‌باشد؟

ب) آیا بین کار موقت و کار مستمر و همیشگی، تفاوتی وجود دارد؟

ج) آیا بین استخدام توسط اشخاص و کار مستمر و همیشگی، تفاوتی وجود دارد؟





د) آیا بین کاری که با حق شوهر منافات داشته باشد با شغلی که چنین منافاتی ندارد، فرقی هست؟

ه) آیا بین شغلی که با رها کردن آن به صاحب کار یا دیگران لطمه جدی می‌خورد با شغلی که چنین نیست، فرقی هست؟ (مثل ممنوعیت زن از ادامه تدریس در وسط سال تحصیلی که باعث ضرر زدن به آموزشگاه و محصلین می‌گردد)
آیت الله بهجت(ره):

الف) زن باید با اجازه شوهر از منزل خارج شود و هر دفعه خروج، در حکم مستقل است؛ مگر آنکه در ضمن عقدی شرعی، شرط شده باشد.
ب، ج، د) فرقی ندارد.
ه) ملاحظه این امر بر عهده اذن‌گیرنده در ابتدا است.
آیت الله میرزا جواد تبریزی(زید عزه):

در همه موارد مذکور، در صورتی که در ضمن عقد نکاح یا عقد دیگری، شوهر اجازه اتخاذ شغل را به همسرش داد، نمی‌تواند رجوع کند و اگر اذن در ضمن عقد نبود، ولی اذن در عقد اجاره صحیح داد و زوجه عقد را به نحو صحیح منعقد کرد یا شوهر اجازه کرد، عقد صحیحی را که زوجه منعقد کرده بود، در این صورت نیز شوهر حق رجوع ندارد و چنانچه شوهر به طور ابتدایی اجازه داد، ولی قرارداد زوجه معامله مشروع لازم‌الوفاء نبود، در این صورت شوهر می‌تواند رجوع کند. والله العالم
آیت الله خامنه‌ای(زید عزه):

شوهر اگر اجازه استخدام و اشتغال زن در خارج منزل را داده باشد و زن اجیر شده باشد، مادامی که اجاره تمام نشده، نمی‌تواند از اجاره خود برگردد و فرقی بین موارد ذکر شده نیست.

آیت الله سیستانی (زید عزه):

(الف) پس از تحقق عقد اجاره با اجازه او، نمی‌تواند مانع شود.

(ب) تا پایان عقد اجاره، نمی‌تواند مانع شود و تفاوتی نیست.

(ج) تفاوتی ندارد.

(د) اگر منافات با حق شوهر نداشته باشد و مستلزم خروج از خانه نباشد، نمی‌تواند

منع نماید.

(ه) از این جهت، فرقی نیست.

آیت نوری همدانی (زید عزه):

در فروض مذکوره شوهر می‌تواند از اجازه خود برگردد، ولی خوب است توافق

کند. (مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، سؤال ۲۴)

۵. محدودیت‌های قانونی در باب «اشتغال زنان»

در حال حاضر طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران دو نوع محدودیت شغلی برای زنان وجود دارد که یکی ممنوعیت برخی از مشاغل به خاطر منع شرعی یا به لحاظ مصالح ملی و امنیتی و رعایت وضع خاص زنان است و دیگری محدودیت مربوط به زن شوهردار از اشتغال به مشاغل منافی مصالح خانوادگی. (چگینی، ۱۳۹۱: ۴۷-۴۶)

الف) ممنوعیت از اشتغال به قضاوت

طبق نظر و فتوای معروف فقها، مرد بودن از شرایط اشتغال به قضاوت است و زنان حق قاضی شدن به معنای عهده‌دار شدن رسیدگی به دعوی و رأی‌دادن ندارند. از همین رو، ماده قانون شرایط انتخاب قضات مصوب سال ۱۳۶۱ مقرر داشته است: «قضات از میان مردان واجد شرایط انتخاب می‌شوند».

اما تحولات بعدی سبب شد نقش زنان در دستگاه قضایی افزایش یابد. بر اساس اصلاحیه سال ۱۳۷۴ بر تبصره ۵ ماده واحده قانون مزبور، زنان حق دارند در چارچوب





و الگوی جدید شغلی، برخی از امور مرتبط با امر قضاوت را عهده‌دار گردند و در پست‌های مشاور دیوان عدالت اداری، دادگاه مدنی خاص، قاضی تحقیق، مستشار اداره حقوقی و نظایر آن، انجام وظیفه نمایند. در نتیجه محدودیت شغلی زنان در امر قضاوت، مربوط به دادگاه و صدور حکم به معنای خاص آن است. (صداقت، ۱۳۸۶: ۱۰۵)

ب) محدودیت اشتغال در نیروهای مسلح

مستفاد از ماده ۳۲ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۷/۷ و ماده ۲۰ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۱ این است که زنان به صورت محدود در مشاغل درمانی، بهداشتی و نظایر آنها ممکن است استخدام شوند و در مشاغل سنگین و در ارتباط با سلاح و به کارگیری آن، از آنها استفاده نمی‌شود. طبعاً این محدودیت به دلیل وضعیت زنان و مصالح امنیتی کشور است و تبعیض ناروا در احراز مشاغل به شمار نمی‌آید و کارهای سنگین با وضعیت جسمی و روحی زنان نیز ناسازگار است.

ج) محدودیت شغلی زن شوهردار

ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی به مرد حق داده است که در برخی موارد زن خود را از اشتغال به شغلی منع نماید: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند».

۶. لزوم ورود زن در بعضی مشاغل

با وجود تساهل و تسامحی که فقه امامیه در مورد اشتغال زنان در بیرون از منزل، اعمال نموده است، لیکن مطلب عمده در زمینه اشتغال زنان از منظر فقه جعفری، حفظ جایگاه و منزلت زن است. در تفکر شیعی، حفظ و گسترش نهاد خانواده بر پایه ویژگی‌های فطری و طبیعی زن و مرد، اولویت و اهمیت خاصی دارد و در کنار آن بر امکان اشتغال و استقلال مالی زنان تأکید شده است. اسلام، اشتغال را برای زن هدف

نمی‌داند، بلکه آن را در خدمت خانواده و رفاه و آسایش آن می‌داند و اشتغال را به عنوان یکی از راه‌های افزایش قابلیت و شکوفایی استعداد زنان در جهت تعالی و کمال آنان می‌پذیرد و معتقد است اشتغال زن حتی‌المقدور در مشاغلی باشد که تناسب بیشتری با منزلت و جایگاه زن در جامعه دارد؛ مشاغلی مانند آموزش و پرورش، بهداشت و درمان. (رهبر، ۱۳۸۸: ۴۷)

نقش محوری زن در کانون خانواده، هم به سبب همسری و هم به سبب مادری، موجب شده است که کار زن در منزل، ارزش جهاد در راه خدا را داشته باشد: «ای زنان! هر یک از شما با اشتغال در خانه خود، اگر خدا بخواهد، ثواب جهاد مجاهدان را خواهید داشت». (نهج‌الفصاحه، ۱۳۶۰: ۵۹۲) بر همین اساس در جریان تقسیم کار بین حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خانه‌داری را هم جزء کارها و شغل‌ها شمرد و مسئولیت این امر مهم را بر عهده حضرت زهرا علیها السلام نهاد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۴۳: ۳۱ و ۸۱)

اما گاهی شرایط جامعه اسلامی، ایجاب می‌کند که زنان در برخی مشاغل و خدمات اجتماعی حضور داشته باشند؛ در این موارد معصومان علیهم السلام به مردان سفارش می‌کردند که از خروج زنان از منزل جلوگیری نکنند. در همین زمینه مردی نزد امام کاظم علیه السلام آمد و گفت: «همسرم با زن دیگری برای شرکت در مجالس عزا از خانه بیرون می‌روند و من مانع آنها می‌شوم. همسرم می‌گوید: اگر حرام است بگو تا نرویم وگرنه چرا مانع می‌شوی؟ می‌دانی که با این کار تو، اگر ما هم چنین مجلسی داشته باشیم کسی شرکت نخواهد کرد». امام علیه السلام فرمود: «از حقوق پرسش می‌کنی. این جزو حقوقی است که افراد جامعه به گردن یکدیگر دارند». آنگاه فرمود: «پدرم، مادرم و ام فروه (مادر خویش) را می‌فرستاد تا حقوق مردم مدینه را ادا کنند». (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۳، ۲۱۷) درست است که این روایت درباره اشتغال نیست، ولی حضرت ملاکی را مطرح ساخته و آن، خروج زن



از منزل برای ادای حقوق اجتماعی است. اگر گاهی اشتغال در این جهت قرار گیرد، مردان بنا بر سیره معصومان علیهم السلام نباید از خروج زنان از منزل جلوگیری کنند.

قابل توجه آنکه فعالیت‌ها و خدمات اجتماعی، مقوله‌ای مجزا و متفاوت با فعالیت‌ها و خدمات انسان در زندگی فردی است. به طور طبیعی، جلب منفعت و دفع ضرر، ابزار قدرتمندی هستند که می‌توانند در هر فردی انگیزش ایجاد نمایند تا در جهت تأمین منافع زندگی خصوصی خود تلاش نماید، اما ایده‌ها و هدف‌های اجتماعی و مصالح عمومی، غالباً از قوت و قدرت انگیزشی همسان با منافع شخصی افراد، برخوردار نیستند و لذا طبیعی است که افراد در برابر آنها، مسئولیت و تعهدی را تصور نکنند. در این وضعیت، اسلام خلاً موجود را با حکم فقهی «وجوب کفایی» پر کرده است و این بخشی از راهکار اسلام برای حمایت از خدمات اجتماعی است. (علوی، ۳۸۲، ۳۸) لذا در صورتی که جامعه نیازمند مشاغل خاص زنان مانند پزشک زنان، پرستار زنان، معلم زنان و... باشد این امور به عنوان «واجب کفایی» بر بانوان واجب و لازم خواهد شد.

در همین زمینه نویسندگان مقاله از دفتر آیت الله سیستانی (زید عزه) استفتاء نمودند و پاسخ این بود: «مشاغل یا مصالحی که موجب بی‌نیازی بانوان از مراجعه به مرد اجنبی می‌شود مثل بعضی رشته‌های پزشکی، در صورتی که تحصیل یا اشتغال با مراعات تکالیف شرعی انجام شود، مستحسن و در بعض موارد «واجب کفایی» است.» (پاسخ استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۶/۱۲/۱۵)

هم‌چنین در استفتاء از دفتر آیت مکارم شیرازی (زید عزه) در مورد لزوم یا استحباب ورود زنان در برخی مشاغل از جمله پزشکی، پرستاری، معلمی، خیاطی، آرایشگری و...، پاسخ معظم له این است: «در صورتی که کار مشروعی باشد و شوهر رضایت دهد و جهات شرعی رعایت گردد اشکالی ندارد.» (پاسخ استفتاء از دفتر آیت الله مکارم

شیرازی، ۱۳۹۶/۱۲/۱۶)

آیت الله نوری همدانی (زید عزه) در مورد لزوم و وجوب اشتغال زنان در جامعه معتقدند که باید زنان بر اساس مقررات حکومت اسلامی عمل نمایند. این حکم، علاوه بر اینکه دغدغه معظم‌له در مورد رعایت حدود شرعی را نشان می‌دهد، محذوریت‌های حکومت اسلامی در مورد اشتغال زنان را نیز مورد توجه قرار داده است. (پاسخ استفتاء از دفتر آیت الله نوری همدانی، ۱۳۹۶/۱۲/۱۷)

پاسخ استفتاء از دفتر آیت الله جوادی آملی (زید عزه) در مورد لزوم ورود زنان در برخی مشاغل مانند پزشکی، معلمی، خیاطی، آرایشگری و ... چنین است: «ورود زنان و یادگیری مشاغل و مهارت‌های یادشده (با رعایت حدود شرعی) حتماً بلامانع است. بلکه یادگیری مشاغل در بعضی جهات مذکور در سؤال (مانند پزشک زنان) ضروری و لازم به نظر می‌رسد». (پاسخ استفتاء از دفتر آیت الله جوادی آملی، ۱۳۹۶/۱۲/۱۵)

این رویکرد فقهی موجب شده است فقهای امامیه، با وجود بانوان متخصص زن در مشاغل خاص زنان، آنان را از مراجعه به متخصصان مرد، منع نمایند. به عنوان مثال در فقه امامیه، با وجود پزشک زنان که دارای تخصص کافی هستند مراجعه زنان به پزشک مرد، مجاز نیست. نظرات برخی از فقهای معاصر، شاهد مثال این ادعا است (محمودی، ۱۳۸۵: ۱۸۴-۱۸۳)

سؤال: مراجعه زن به پزشک مرد یا رادیولوژی، سونوگرافی، تزریقات و جراحی زنان توسط مردان - با وجود پزشک زن و انجام این اعمال توسط زنان - چه حکمی دارد؟
 آیت الله صافی گلپایگانی (زید عزه):

در مورد سؤال، در صورت مماثل مراجعه به نامحرم جایز نیست.

آیت الله بهجت (ره): در مواردی که مستلزم لمس و نظر محرم است تا به مرحله ضرورت نرسیده جایز نیست.



آیت الله سیستانی (زید عزه):

اگر مستلزم نگاه یا لمس حرام است - با بودن متخصص زن - جایز نیست؛ مگر اینکه به متخصص زن در انجام صحیح کار اعتماد نباشد.

آیت الله مکارم شیرازی (زید عزه):

در صورتی که پزشک هم جنس به قدر کافی وجود داشته باشد و احساس ضرورتی به غیر هم جنس نشود مراجعه به غیر هم جنس در جایی که مستلزم نظر و لمس حرام باشد جایز نیست.

نتیجه

در آنچه گذشت به بررسی سیر تاریخی «اشتغال زنان» پس از اسلام پرداختیم و جواز اشتغال ایشان را در قرآن و روایات مورد تأکید قرار دادیم. پس از بیان برخی مشاغل مشترک بین زنان و مردان، به معرفی تعدادی از مشاغل خاص زنان پرداختیم و احکام شارع مقدس را برای حضور اقتصادی و اجتماعی زنان در جامعه مورد مذاقه قرار دادیم که از میان این احکام، ستر و پوشش، پرهیز از خودآرایی و خودنمایی، وقار در راه رفتن و استفاده نکردن از بوی خوش، جزء احکام مختص زنان هستند و کنترل نگاه، پرهیز از گفتگوهای غیر اخلاقی و زیاد از حد، پرهیز از روابط رو در رو، خودداری از لمس کردن و پرهیز از خلوت کردن با جنس مخالف، از احکام مشترک زن و مرد هستند و این در صورتی است که فقه امامیه نیز محدودیت‌هایی مانند «عدم تعرض خروج زوجه با حق استمتاع مرد»، «جواز اشتراط عدم اشتغال زوجه» و «حق رجوع زوج از اجازه اشتغال زوجه» را برای زنان شاغل قائل است.

در این میان نظرات فقهای امامیه، موجب ایجاد محدودیت‌های قانونی در باب اشتغال

زنان شده که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- ممنوعیت از اشتغال به قضاوت؛